

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Ways to Prevent Unconventional Mahr and Its Role in Preventing Family Disruptions

1. Hossein Ramezani: PhD Student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Hormuz Asadi Kouhbad*: Associate Professor, Department of Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran. Email: Asadi.koohbad@gmail.com (Corresponding Author)
3. Mohammad Ali Heydari: Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

ABSTRACT

Unconventional mahr has become one of the current issues in Iranian society, expanding significantly due to its association with certain social and economic problems. Given the negative consequences and adverse impacts of high and unconventional mahr, this study aims to propose practical solutions in terms of judicial, educational, and executive approaches. The current investigation has shown that marriage contracts are classified as transactions, and from a religious perspective, they are part of secondary rulings. Government intervention to prevent unconventional mahr based on societal interests is both possible and significant. Another solution is to set a ceiling for mahr based on the customary practices of each region, the financial ability of both the husband and wife, and preventing deviation from the established ceiling to ensure that opportunistic individuals do not undermine the philosophical purpose of mahr, which is to foster affection and stability in the family. Additionally, the removal of criminal penalties, such as imprisonment or similar sanctions, is another solution to prevent social anomalies caused by unconventional mahr, as it directs individuals to irreversible or difficult paths due to financial incapacity. Another crucial measure is raising awareness among spouses, especially husbands, so they do not accept the terms of the marriage contract without proper understanding. From a religious standpoint, the husband's acceptance of responsibility for mahr can lead to an uncertain transaction, which is not permissible under Islamic law. The present article employs a descriptive and analytical method, using library resources as the primary tool.

Keywords: *Unconventional mahr, mahr, family disruptions, family, marriage contract.*

How to cite: Ramezani, H., Asadi Kouhbad, H., & Heydari, M. A. (2025). Ways to Prevent Unconventional Mahr and Its Role in Preventing Family Disruptions. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 132-143.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 09 December 2024
Revise Date: 20 January 2025
Accept Date: 28 January 2025
Publish Date: 24 March 2025



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

راه‌های پیشگیری از مهریه‌های نامتعارف و نقش آن در پیشگیری از ناهنجاری‌های خانوادگی

۱. حسین رضانی: دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
۲. هرمز اسدی کوه باد*: دانشیار، گروه حقوق، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران. پست الکترونیک: Asadi.koohbad@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. محمدعلی حیدری: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

مهریه‌های نامتعارف یکی از معضلات کنونی جامعه ایران است که به دلیل همزمان شدن با برخی مشکلات اجتماعی و اقتصادی، بسیار گسترش یافته است. با توجه به آثار و تبعات نامطلوب مهریه‌های نامتعارف و سنگین، پژوهش حاضر درصدد است تا راهکارهای عملی از حیث رویکردهای قضایی، آموزشی و اجرایی ارائه نماید. بررسی حاضر نشان داده است که عقد نکاح، در زمره عقود و معاملات بوده و از منظر شرعی نیز جزو احکام ثانویه است و مداخله حاکم بری پیشگیری از مهریه‌های نامتعارف بر مبنای مصلحت جامعه امری ممکن و قابل ذکر است. راهکار دیگر تعیین سقف بر مبنای تحولات عرفی هر منطقه، توانایی مالی زوج و زوجه و جلوگیری از عدول از سقف تعیین شده است تا افراد سودجو باعث نابودی فلسفه مهریه که ایجاد مهر و محبت در خانواده و استحکام آن است، نشوند. همچنین رفع مجازات کیفری نظیر زندان یا موارد مشابه نیز راهکار دیگری برای جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از مهریه‌های نامتعارف است، زیرا افراد را به دلیل عدم توانایی مالی به مسیرهای غیرقابل بازگشت یا دشوار سوق می‌دهد. اقدام مهم دیگر، ایجاد آگاهی در میان زوجین و مخصوصاً زوج است که بدون شناخت، مفاد عقد را بر عهده نگیرد. همچنان که از نظر شرعی نیز پذیرش مسئولیت مهریه از سوی زوج منجر به معامله غرری شده که شرعاً جایز نیست. در مقاله حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: مهریه‌های نامتعارف، مهریه، ناهنجاری خانوادگی، خانواده، عقد.

نحوه استناددهی: رضانی، حسین، اسدی کوه باد، هرمز و حیدری، محمدعلی. (۱۴۰۴). راه‌های پیشگیری از مهریه‌های نامتعارف و نقش آن در پیشگیری از ناهنجاری‌های خانوادگی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۱)، ۱۳۲-۱۴۳.

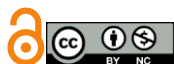
© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳۰ دی ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۸ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۴ فروردین ۱۴۰۴



مهر در آیین اسلامی، هدیه‌ای است که زوج به زوجه می‌دهد و دلیل اصلی مطرح شدن آن، ایجاد یک رابطه عاطفی مثبت و نیک، افزایش مهر و محبت در نظام خانواده و بهبود روابط زوجین است. اما در طی سالهای اخیر با پدیدار شدن مهریه‌های سنگین و خارج از توان پرداخت زوج، معضلات اجتماعی متعددی شکل گرفته است. به خصوص اینکه رقابت خانواده‌ها از یکسو و بی‌اعتمادی جامعه نسبت به یکدیگر و جلوگیری از طلاق باعث سوق یافتن افراد به افزایش سکه برای مهریه منجر شده است. این رویه که عوامل متعدد دیگری نیز دارد به نوبه خود به شکل گیری مهریه‌های نامتعارف منجر شده که نتیجه آن، تضعیف بنیان خانواده و تغییر نگاه عاطفی و معنوی به مهریه و در مقابل، تقویت نگرش مادی‌گرایی نسبت به آن شده است. بزرگترین آسیب و معضل ناشی از مهریه‌های نامتعارف و سنگین، افزایش ناهنجاری‌های خانوادگی و به زندان افتادن زوج‌ها به دلیل عدم توان پرداخت مهریه است و حتی در موارد متعددی، فرزندان نیز به حال خود رها شده و فلسفه اصلی مهر نیز به دست فراموشی سپرده شده است. بنابراین باید گفت که یکی از مشکلات اصلی جامعه کنونی ما در سال‌های اخیر، مشکل مهریه‌های سنگین یا نامتعارف است. مهریه‌هایی که معضلات حقوقی، اجتماعی، فردی و خانوادگی ایجاد کرده و باعث رواج نگرش مادی‌گرایانه به موضوع ازدواج شده و از سویی باعث افزایش مراجعت قضایی نیز شده است. برای رفع این معضل، تلاش ای متعددی از جهت قانونی، آموزش و فرهنگ و اصلاح برخی قوانین صورت گرفته که یکی از نمونه‌های واضح آن، تلاش برای حذف مجازات زندان یا کم کردن آن از جرایم مرتبط با عدم پرداخت مهریه است. همچنین در موارد دیگر نیز اقساطی کردن مهریه، کوشش شده تا زوج بتواند بر مبنای توان مالی به صورتی که دادگاه معین می‌کند، نسبت به پرداخت آن اقدام نماید. با این حال مهریه‌های سنگین و نامتعارف، رویکردی برخلاف فرهنگ اسلامی و نظام اجتماعی پدید آوردند که تهدید نظام خانواده به عنوان اصلی‌ترین خطرات آن در نظر گرفته می‌شوند.

پژوهش حاضر درصدد است تا برای کاستن از معضلات حقوقی و اجتماعی ناشی از مهریه‌های نامتعارف، راهکارهایی برگرفته از رویکردهای فقهی و تفسیر قوانین ارائه دهد. ضرورت انجام چنین پژوهشی به دلیل تزلزل در نظام خانواده، افزایش پرونده‌های مرتبط با مهریه، رواج نگرش مادی‌گرایانه به ازدواج مخصوصاً از سوی زنان و ایجاد مشکلات برای فرزندان طلاق است. بر این اساس، عسر و حرج ناشی از مهریه‌های نامتعارف برای زوج و وجود برخی الزامات حقوقی برای پرداخت مهریه به زن و سوءاستفاده برخی زوجه‌ها از چنین شرایطی باعث شده تا ناهنجاری‌های خانوادگی ناشی از این عمل نیز گسترش یابد. به همین جهت پژوهش حاضر با طرح این سؤال که راهکارهای پیشگیری از مهریه‌های نامتعارف برای جلوگیری از ناهنجاری خانوادگی چیست؟ به ارائه دیدگاهی می‌پردازد که بتوان شیوه متعارف و منطقی را ارائه نمود که حقوق زوجین به شکل مطلوبی محقق شود و از معضلات اجتماعی و تزلزل نظام خانواده نیز پیشگیری شود.

اهمیت مهر و مهرهای نامتعارف

مهریه، هدیه‌ای است که به منظور ایجاد محبت میان زوجین و استحکام بنیان مقدس خانواده، مرد به زن می‌دهد. از دیدگاه اسلام، مرد موظف است مهریه را به زن بپردازد و به این امر در اسلام بسیار سفارش شده است. بنابر قوانین اسلامی، در بعضی موارد حاکم می‌تواند به فرد طلبکار بگوید که از طلب خود صرف‌نظر کند، ولی به زن نمی‌تواند بگوید که از مهریه خودش بگذرد (Motahhari, 2016). در سنت اسلامی زن نمی‌تواند از پذیرش مهر ولو به مقداری ناچیز امتناع ورزد و نیز این مهر همچون حق‌الزحمه مادر، شیربهای زن، مزد خدمات پدر یا مادر نیست که آن‌ها بتوانند آنرا ببخشند و از پذیرش آن خودداری کنند. در اسلام مسئله مهر پرداخت آن تا آن درجه اهمیت دارد که اگر شوهر زنی کارفرما باشد و مهر زنش را نپردازد دولت اسلامی او را موظف به پرداخت آن می‌کند و در صورت عدم قدرت از بیت‌المال به او می‌پردازد.

در اسلام توصیه شده است که شوهر پس از انعقاد پیمان زناشویی متعهد به پرداخت مهر به زن بوده و او حق ندارد از پرداخت آن سرباز زند. و یا زن را در فشار گذارد تا او ناگزیر شود بخشی و یا تمام آنچه را که از مرد گرفته به او برگرداند. البته میزان مهر بستگی به تراضی طرفین دارد و معیاری از نظر کمی برای آن در نظر گرفته نشده فقط باید عنوان مال بر آن صدق می‌کند و قابل تملک باشد. خدا در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»^۱. و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگر به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی به عنوان مهر به او پرداخته‌اید، چیزی را از او باز پس نگیرید. آیا برای باز پس گرفتن مهریه زنان متوسل به تهمت و گناه آشکار می‌شوید؟

به لحاظ تاریخی نیز پیش از اسلام مرسوم بود که اگر می‌خواستند همسر سابق را طلاق گویند و ازدواج مجدد کنند. برای فرار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کردند و بر او سخت می‌گرفتند تا حاضر شود مهر خودیش را که به طور معمول قبلاً دریافت می‌شد، بپردازد و طلاق بگیرد و سپس همان مهر را برای همسر دوم قرار می‌دادند و این آیه نازل شد و این کار زشت را مورد نکوهش قرار داد. این آیه نیز برای حفظ قسمت دیگری از حقوق زنان نازل شده است، می‌فرماید: «و اگر پرداخته‌اید، چیزی از آن را پس نگیرید» (وَإِنْ... شَيْئًا). آن گاه، طرز عمل دوران جاهلیت در این باره که همسر خود را متهم به اعمال منافی عفت می‌کردند اشاره نموده، می‌فرماید: «آیا برای باز پس گرفتن مهر زنان، به تهمت و گناه آشکار متوسل می‌شوید؟» «أَتَأْخُذُونَهُ... مَبِينًا». یعنی کار شما ظلم است و گناه و متوسل شدن، یک وسیله‌ی ناجوانمردانه و غلط، گناه آشکار دیگری است. همچنین در آیه ۲۱ سوره ی نساء برای تحریک عواطف انسانی مردان اضافه می‌کند: «و چگونه آن (مهر) را باز پس می‌گیرید، در حالی که با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟» «وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ»^۲

هرچند برای مهر حداقل و حداکثری در نظر گرفته نشده است، لیکن مهریه‌های سنگینی که امروز متداول شده و به عنوان یکی از مشکلات ازدواج جوانان مطرح است را اگر هم فاقد ایراد قانون و شرعی ندانیم با توجه به سفارشات موکد شریعت مقدس اسلام به ازدواج و پایداری کانون خانواده، دارای آثار و تبعات مهمی است. بر این اساس، همواره پرداخت مهریه به زوج و پذیرش مسؤلیت از سوی زوج مورد تأکید شریعت اسلام بوده است. در این زمینه نیز رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «(و از این گذشته) آنان (هنگام ازدواج) از شما پیمان محکمی گرفته اند»، چگونه این پیمان را نادیده می‌گیرید؟ «وَ أَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (Attari Kermani). در همین راستا، رسول گرامی اسلام برای اینکه عملاً به مردم بفهماند که مهرهای سنگین صلاح واقعی ملت نیست، دختر عزیزش را با مهر کم به عقد علی (ع) در آورد حتی به عنوان دین هم چیزی بر عهده او قرار نداد (Anahid, 2007).

از سوی دیگر، واژه «نحله» در آیه «واتوا النساء صدقاتهن نحله» نیز به معنای عطیه رایگان است و تعبیر از «مهریه» به «نحله» نیز به این دلیل است که مهریه عطیه‌ای الهی است که خداوند سبحان بر مردان واجب کرده است تا رایگان به زنان هدیه کنند. تعبیر لطیف «صداق» و «نحله» نشانگر ادب و حیا در کلام الهی و نیز تکریم و تجلیل زنان و ناموس آنان است تا کسی نپندارد امر مقدس ازدواج نوعی خرید و فروش است و زن خود را، در ازای مهریه، در اختیار شوهر می‌گذارد. در باب نکاح، زن چیزی را به شوهرش تملیک نمی‌کند تا مهریه عوض آن باشد، بلکه مهریه عطیه‌ای الهی است که به حکم خدا شوهر باید به زن بپردازد و رایگان است؛ نه در مقابل چیزی، زیرا التذاذ و کامیابی

۱. نساء: ۲۰.

۲. «افضاء» از ماده‌ی «فضا» به معنی توسعه است؛ بنابراین «افضاء» یعنی توسعه دادن. اما هنگامی که کسی با دیگری تماس می‌یابد، در حقیقت وجود محدود خود را به وجود وسیع دیگری تبدیل کرده است؛ از این رو «افضاء» به معنی تماس گرفتن آمده است.

جنسی، تشکیل خانواده و فرزند داشتن، همگی مشترک میان زن و مرد است، چنان که حقوق آن‌ها نیز متقابل است. خانواده کانون مقدس و هسته اصلی جامعه است، که تنها با دو رکن اصلی آن مودت و رحمت (وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً) (سوره روم، آیه، ۲۱) قوام می‌یابد، نه عناصر دیگر. بنابراین بالا بودن میزان مهریه و مقدار جهیزیه و اموری همانند آن که از امور مادی و مبتنی بر این رویکرد هستند، هرگز عوامل حقیقی تشکیل و استحکام خانواده که یک امر قدسی است، نیستند. چون اساس نکاح صبغه ملکوتی دارد، اگر کابین زن جنبه تکاثر پیدا کند و از معیار معقول و مقبول فاصله بگیرد، چنین زنی به فرموده امام صادق مشئومه خواهد بود: «... فَأَمَّا شَوْمُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَ عَقْمُ رَحْمَتِهَا» یعنی شامت و قبح او در گرانی صداق و افزونی مهر او است (Amin, 2010).

با این وجود شکی نیست که اگر قرار دادن مهرهای سنگین در نکاح که امروزه معمول شده است از نظر اسلام ممنوع نباشد، لاقلاً ناپسند است؛ به ویژه در مواردی که زیاد بودن مهریه ایجاد عسر و حرج می‌کند یا مانع ازدواج دختر و پسر می‌شود یا موجب امر نامشروعی می‌گردد. به هر حال با در نظر داشتن موارد یاد شده باید دانست که مهر قیمت و ارزش زن نیست که هر چه مهر بیش‌تر باشد ارزش زن بالاتر باشد؛ چرا که اگر چنین بود باید برای سیده و سرور زنان عالم حضرت فاطمه (س) بالاترین مهریه در نظر گرفته می‌شد. با این وجود به دلیل رواج مهریه‌های سنگین و تبعات ناشی از آن در نظام خانواده و در عرصه اجتماعی، در مباحث پیش رو تلاش شده است تا راهکارهایی بر مبنای دیدگاه‌های فقهی یا تفسیر و نقد قوانین ارائه شود.

راهکارها

از آن جا که محبت و عاطفه نقش مهمی در روابط زوجین بر عهده دارد، مرد با دادن مهریه به عنوان هدیه، این علاقه و محبت را بیش‌تر ابراز و بر آن تأکید می‌کند (Paknejad, 1997). زیرا در شریعت اسلام قوام و پایداری خانواده به دست مرد است؛ به دلیل این که توان فطری مرد، در کسب و کار به طور طبیعی بیش‌تر از زن است و در زندگی مشترک مرد با قدرت بیش‌تری آن را اراده می‌کند، بنابراین عادلانه است که مرد در مقابل این حق که به او عطا شده غرامت بپردازد، تا هر کس با کوچکترین دلیلی پیوند خانواده و همسراری را به ملعبه و بازیچه نگیرد. با این حال برای جلوگیری از ترویج مهریه‌های سنگین و نامتعارف نیازمند بررسی راهکارها است که بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

-مداخله حاکمیت

رعایت مصالح خانواده بیش از همه بر عهده زوجین است تا بتوانند بر مبنای معاشرت به معروف و پرهیز از نگرش اقتصادی به مهریه به زندگی خود ادامه دهند. در همین راستا پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «آگاه باشید که خدا و رسول خدا از شوهری که به زنش ضرری رساند، تا زن مهریه خود را حلال نماید و طلاق گیرد، بیزار می‌باشد و خداوند برای شوهری که زن خود را مورد آزار قرار دهد تا او حقوق خود را ببخشد، به عذابی کمتر از آتش رضایت نمی‌دهد، زیرا خداوند در مقابل آزار رساندن به زن غضب می‌کند، همانگونه که برای یتیم غضب می‌کند». بنابراین رعایت مصالح خانواده و انجام مسؤلیت و تکالیف برای جلوگیری ناهنجاری‌های اجتماعی موضوع مهمی است که نباید از آن غفلت شود و تبدیل شدن مهریه به کشمکش میان زوجین یکی از عوامل مهمی است که باعث فروپاشی و تهدید نهاد خانواده می‌شود. اما در شرایطی که روابط اخلاقی زوجین، قوانین موجود و مداخله خانواده‌ها نتواند باعث جلوگیری از مهریه‌های نامتعارف شود، مداخله حاکمیت به عنوان یک راه حل بر مبنای نیازهای زمانه مورد توجه است.

با در نظر گرفتن این واقعیت تاریخی که اکثر موضوعات مفروض در احکام منصوصه کیفی جزء موضوعات عرفی و امضایی‌اند، بنابراین تغییر احکام آن‌ها با تغییر و تحول در موضوعاتشان امری مقبول است. به قول فقیه نامور شیعی، مرحوم شهید اول، در کتاب القواعد و الفوائد

«يجوز تغير الاحكام بتغير العادات» (Makki Ameli); بر مبنای همین رویکرد، احکام ثانویه می‌توانند از طریق دستورات و مقررات جدید، پیدا کنند و بر عهده حاکم یا رهبر جامعه اسلامی است که مسائل اجتماعی را در راستای مصالح جامعه حل نماید و احکامی را صادر نماید (Jafari, 1990). به همین ترتیب پرداختن به بحث مهریه‌های نامتعارف که مشکلات اجتماعی و خانوادگی قابل توجهی در پی دارد، در زمره مسائلی است که می‌بایست با مداخله حاکمیت و در راستای مصالح جامعه حل و فصل شود.

اما تغییر و تحول موضوع، همیشه به یک شیوه نیست؛ بلکه متنوع است. گاهی دگرگونی تا ذات و ماهیت موضوع را در برمی‌گیرد، و گاه در قیود، شرایط یا صفات آن خواهد بود. حتی گاهی در خود موضوع هیچ تبدلی حاصل نمی‌شود، ولی در نسبت‌ها و اضافات موضوع دگرگونی پدید می‌آید. زمانی هم ممکن است دگرگونی به صورت توسعه یا تضییق موضوع رخ نماید. این تغییرات گاه پیدا و ظاهر است، و گاه مخفی و مکتوم. لذا، فقهی ژرف‌اندیش نیاز است تا آن را بررسی و شناسایی کند که با توجه به آثار و تبعات ناشی از مهریه‌های نامتعارف، نیازمند تغییرات اساسی در برخی قوانین است تا بتوان با قاطعیت از کانون خانواده دفاع به عمل آورد. یکی از فقهای برجسته معاصر در این باره می‌گوید: «احکام الهی با قیود و شرایطی بر موضوعات خاصی استوار است و هر گاه آن شرایط و قیود و ویژگی‌ها تغییر نیابد، حکم الهی نیز تا ابد تغییر نخواهد کرد. و مفهوم روایت: «حلال محمد...» نیز همین است. اما اگر در قیود موضوع بر اثر گذشت زمان و تغییر مکان دگرگونی حاصل شود، چه بسا حکم هم دگرگون خواهد شد.» (Makarem Shirazi, 2002) زیرا امروزه شرایط خاصی بر عقد نکاح حاکم شده که نوع خاصی از مهریه را شکل داده و به طرز فراقگیری نیز گسترش یافته است. این وضعیت باعث شکل‌گیری نگاه مادی‌گرایانه به ازدواج و تشکیل خانواده شده که اگر تدبیری برای آن لحاظ نشود، در آینده با سرعت بیشتری به پیش خواهد رفت و تبعات ناخوشایند فرهنگی در پی دارد (Shokri, 2019). هرچند که در این زمینه نیز حاکمیت در مواردی، اقدام به تعدیل مهریه و تعیین برخی معیارها نظیر صد و ده سکه نمود که البته با مخالفت‌هایی روبرو شد. اما باید گفت که حاکمیت بنابر مصالحی که در حوزه ساماندهی امور ثانویه دارد، از این توانایی برخوردار است که بتواند احکام یاد شده را تغییر دهد. به این دلیل که تنها مرجعی که می‌تواند احکام ثانویه را تغییر دهد، حاکمیت و حاکم شرع است که به وسیله حکم حکومتی می‌تواند چنین تغییراتی ایجاد نماید و نه مجلس و نه نهاد قانونگذار دیگر. ضمن اینکه با مذاقه در این دیدگاه، می‌توان بیان کرد که حاکم شرع، مجلس را «راس همه امور» می‌داند و این اختیار را به مجلس داده که در همه امور تصمیم‌گیری نماید که البته تصمیمات مجلس نیز از فیلتر شورای نگهبان عبور می‌کند که مناصب آن توسط فقها تعیین می‌شود (Golshani et al., 2020). به هر حال این موارد نشان دهنده آن است که یکی از راه‌های مؤثر در زمینه پیشگیری از مهریه‌های نامتعارف، مداخله حاکمیتی یا اعطای اختیار از سوی حاکم شرع یا ولی فقیه به نهادهای تخصصی در این زمینه است تا بتوانند نسبت به جلوگیری از این رویه اقدامات لازم را انجام دهند.

از سوی دیگر، موضوع پرداخت مهریه از سوی زوج نیز بحث مهمی است که با توجه به موضوعات دیگر از جمله وضعیت اقتصادی و مدیریت دولت و یا آنچه حاکم اسلامی در اختیار دارد، مرتبط است. در اینجا دو رویکرد عمده وجود دارد؛ یکی نگرش مقدورالتسلیم و دیگری نگرش توانایی متعهد. در نگرش مقدورالتسلیم، باید مهریه‌های سنگین و نامتعارف را پرداخت نمود، زیرا قابلیت پرداخت دارند، اما این موضوع که آیا زوج توانایی پرداخت چنین هزینه‌ای را دارد یا خیر، باید توسط حاکمیت روشن شود و حاکمیت آن را مورد ملاحظه قرار دهد (Ansari, 1995). بنابراین در چنین شرایطی حاکم جامعه اسلامی بنابر شرایط و مصالح جامعه که همانا افراد آن جامعه هستند، می‌بایست اقدامات فوری و لازم الاجرا برای رفع چنین مشکلی را اعلام نموده و از گسترش مهریه‌های نامتعارف جلوگیری نماید.

-رفع مشکلات کیفری زوج ناشی از عدم پرداخت مهریه سنگین

اگر ملاک و معیار روشنی برای مهریه سنگین و نامتعارف از مهریه متعارف وجود داشته باشد، در این صورت رفع مشکلات کیفری ناشی از عدم پرداخت مهریه‌های غیرمتعارف از سوی زوج می‌بایست پشتوانه این رویکرد تلقی شود. دلایل متعددی برای این موضوع وجود دارد؛ اول اینکه، به دلیل عقلانی نبوده و فقدان تصور عقلایی از تعهد زوج برای تسلیم یا تأدیه مهریه سنگین و باطل شدن التزامات محال، تردیدی در بطلان مهر در صورت عدم توانایی عرفی زوج بر تسلیم یا تأدیه مهر سنگین وجود ندارد (Emami, 2007). بنابراین قانونگذار در این شرایط می‌بایست اقدامات لازم برای جلوگیری از تسلیم مهریه از سوی به زوجه را مدنظر قرار دهد و از رواج مهریه‌های سنگین و تبعات ناشی از آن که می‌تواند باعث ناهنجاری‌ها در سطح خانواده شود، خودداری نماید. حتی در موارد دیگر علاوه بر عقلانی نبودن مهریه سنگین، بحث سفهی بودن این عقد نیز مورد توجه قرار گرفته است. به این صورت که مهریه سنگین که قدرت بر تسلیم آن مجهول و غیرقابل پرداخت است، نوعی معامله سفهی است و معامله سفهی نیز بطلان آن مشخص است. از این حیث، مهریه سنگین نوعی معامله سفهی بوده که قدرت بر تسلیم آن مجهول است به مثابه عقدی باطل بوده و به مهرالمثل تبدیل می‌شود (Razavi, 2015). این رویه در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نیز به شکل تعیین عدد ۱۱۰ سکه لحاظ شده است. یعنی در نظر گرفتن سکه‌های بیشتر یا سایر دارایی‌ها که از ۱۱۰ سکه به نرخ روز فراتر رود، در زمره معامله سفهی بوده و قابل اعتنا نیست. بنابراین حذف مجازات زندان از چنین معاملاتی که از جهات مختلف در تضاد با شرع هستند و تنها به واسطه سوءاستفاده برخی افراد شکل می‌گیرند، نقش مهمی در کاهش یا ریشه کردن آنان دارد.

-تعیین سقف و معیار برای حمایت از مهریه متعارف

برخی از رویکردهای حقوقی شکل گرفته درباره عدم وجود سقف برای مهریه و رواج مهریه سنگین و نامتعارف به این دلیل است که در برخی رویکردهای فقهی که البته رویکرد غالب است، این دیدگاه مطرح شده که برای مهریه حداکثری وجود ندارد (Najafi, 1995) اما باید گفت که حاکمیت و قانونگذار نقش مهمی در تعیین سقف برای مهریه بر عهده دارد که بنابر مصالح جامعه می‌تواند مهریه‌های سنگین را نادیده گرفته و سقف متعارفی برای آن در نظر بگیرد. حتی برخی از فقها درباره تعیین سقف برای جلوگیری از گسترش مهریه‌های سنگین و نامتعارف چنین بیان کرده است: «این نوع مهریه‌ها با چنان قرائتی که بیان شد، جدی نیست و به اجرا گذاشتن آن در شرایط عدم قدرت جایز نیست» (Makarem Shirazi, 2009). در این شرایط، تعیین مهریه می‌بایست به نحوی باشد که «متعارف بودن» آن محسوس باشد. یعنی اینکه میزان مهریه‌های کنونی از لحاظ مشخصات دختر و پایگاه اجتماعی و اقتصادی وی بسیار متفاوت است. از این منظر جهت تعیین مهریه متعارف نیازمند آن است تا به محل خاص و وضعیت افراد جامعه توجه خاصی نشان داد که تنها یک مهریه را برای همگان متعارف در نظر نگیرد. بدین معنا معیار تعیین مهریه، وضعیت و شرایط خانوادگی و مالی زوجه بوده و این معیار با توجه به اختلافات طبقاتی شدید و موجود متفاوت است که امکان تعیین سقف خاصی را از بین می‌برد (Jalali, 2010). راهکار مؤثر آن است که بتوان ضمن ملاحظه وضعیت اقتصادی زوجه، وضعیت و شرایط اقتصادی زوج نیز مدنظر قرار گیرد. بدیهی است که انجام چنین امری به راحتی امکانپذیر نیست و تحقق آن نیازمند یک تیم متخصص و کارشناس مالی است تا بتواند نسبت به تعیین مهریه متعارف و جلوگیری از مهریه نامتعارف اقدام نموده و معیارها را به روز نماید. هرچند قانونگذار تلاش نموده تا با ذکر صد و ده سکه از گسترش مهریه‌های نامتعارف جلوگیری نماید و سکه قابل پرداخت یعنی صد و ده سکه را ملاک قرار دهد، اما این موضوع در عمل به نحو دیگری پیش می‌رود و در صورت بروز اختلاف، پرداخت مهریه‌های سنگین به یک رویه عادی تبدیل شده است. در فصل سوم از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، با عنوان «ازدواج» در ماده ۲۲ آن چنین تصریح

شده است: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیش از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است». به نظر می‌رسد «قانون حمایت خانواده» به عنوان سند بنیادین در ارتباط با موضوع مهریه نیازمند آن است تا بتواند به صورت تخصصی و مصداقی «مهریه متعارف» را از «مهریه نامتعارف» تمیز دهد و راهکاری برای تعیین مهریه در شرایط خاص و برحسب مقتضیات اقتصادی و اجتماعی زوجین ارائه کند.

رویکرد عملی که برای ایجاد سازوکاری جهت جلوگیری از مهریه‌های نامتعارف و پیشگیری از نابهنجاری‌های خانوادگی قابل طرح است، در پیش گرفتن «نوسان متعارف» است. یعنی اینکه اگر نوسان [مهریه] در حد متعارف و رایج باشد، زوج قیمت حین العقد و این مقدار نوسان را معمولاً اراده می‌کند. نوسان و بالا رفتن متعارف سکه، در صورتی که حتی قصد هم نشده باشد، بر مبنای ماده ۲۲۵ قانون مدنی که وجود امری در عرف را به مثابه تصریح در عقد در نظر گرفته است، زوج بدان متعهد است. عرف در واقع همان شیوه رایج مردم در رفتارها و معاملات است (Mostafa et al.). یعنی نوسان معمول و متداول که در زمان عقد یا نزدیک به آن عقد (تراضی) رایج بوده است (Shokri, 2023)؛ بدیهی است که روی آوردن به مهریه‌هایی بر مبنای تعداد بالای سکه که اغلب بر مبنای تاریخ تولد به شمسی یا حتی میلادی رایج شده است، از این معیار تعیین شده خارج است. در این صورت می‌توان ملاکی برای تمیز مهریه‌های متعارف از نامتعارف فراهم آورد که براساس آن، مانع وقوع برخی عقود شد.

تبعیت از تعیین معیار و سقف متعارف در مهریه از نظر فقهی نیز همسو با احکام شریعت است. به این دلیل بر مبنای قاعده مسلم فقهی «العقود تابع للمقصود»، عقد تابع قصد و اراده طرفین یک قرارداد است و آنچه بعدها و به دلایل مختلفی رخ می‌دهد، خارج از قصد و انگیزه طرفین بوده است. این قاعده از نظر فقها، امضایی بوده و حتی قبل از اسلام نیز وجود داشته است (Makarem Shirazi, 1991). این بدان معناست که زوج در یک زمان خاصی که قیمت سکه ۵۰ میلیون است، حاضر می‌شود که تعداد خاصی را برای مهریه تقبل نماید، اما اگر به واسطه نوسانات شدید اقتصادی، ارزش سکه به شکل سرسام‌آوری افزایش پیدا کند، به هیچ وجه مقصود متعهدله چنین نبوده است. بنابراین تهیه سکه بر مبنای قیمت افزایش یافته، خارج از مقصود متعهد بوده و به تبع نیز از ماهیت عقد خارج است (Mostafa et al.). بر همین اساس حتی برخی با استناد به ماده ۱۹۱ قانون مدنی و سایر مواد، چنین روندی را از حد متعارف خارج دانسته و در نتیجه غیرحقی بودن آن نیز واضح است.

-ایجاد آگاهی نسبت به عقد و مهریه

عقود شرعی دارای ویژگی خاصی است که توجه نکردن به اصول و ضوابط حاکم بر آنان باعث فاصله گرفتن از اقتضانات و قواعد شرعی می‌گردد (Ahangaran, 2013). بنابراین با توجه به اینکه عقد نکاح نیز یکی از عقود مهم شرعی است، پیشگیری از عقدی که بدون آگاهی طرفین باشد و منجر به تشکیل مهریه نامتعارف و سنگین شود، امری مذموم می‌باشد. هرچند از منظر دیگر، این قاعده بدین معناست که آثار و پیامدهای هر قراردادی از قصد خاص آن پیروی می‌کند (Naraqi, 1996). لزوم پایبندی به اصول و معیارهای هر عقدی در نگرش فقهی دارای اهمیت خاصی است و طرفین می‌بایست نسبت به تکلیف و مسؤولیت خود در قبال مفاد عقدی که در آن مشارکت دارند، واقف باشند. از این منظر، طرفین هر عقدی از جمله عقد نکاح به دلیل وجود مهریه و آثار مالی و اقتصادی ناشی از آن، حکم و اثری بر قراردادهای خود دارد که به عنوان قصد و نتایج می‌بایست به آن آگاه باشند. در هر صورت بر مبنای موارد یاد شده، قصد معتبر از نظر قاعده مزبور آن است که

عقد زمانی معتبر است که «انشاء» شده باشد. بنابراین آگاهی لازم به منظور انعقاد قراردادهای مشروع، وابسته به این است که طرفین از حقیقت انشاء چگونگی انجام آن و معنایی که انشاء می‌کنند، مطلع باشند (Ahangaran, 2013). در مهریه نیز به دلیل تبعات ناشی از پذیرش مفاد عقد، آگاهی و شناخت و توجیه زوجین برای جلوگیری از تشکیل یک معامله غرری بسیار مهم و حائز اهمیت است و بی‌توجهی به آن به معنای بروز برخی ناهنجاری‌های خانوادگی از جمله در زندگی زناشویی است.

در رویکرد فقهی همواره بر آگاهی و شناخت افراد نسبت به عقود توجه نشان داده شد و حتی مبحثی نیز در این باره تحت عنوان «جهل در مهریه» به صورت اختصاصی مطرح شده است. رویکرد حاکم بر آگاهی و شناخت در عقود آن است که طرفین عقد در حین معامله می‌بایست نسبت به تعهدات خویش آگاه باشند تا به طور کامل بدانند چه چیزی را تملک کرده است (Najafi, 1995). همین موضوع به نحو دیگری می‌بایست برای زوج نیز روشن شود؛ بدین معنا که وی آگاهی داشته باشد که تقبل هر مهریه‌ای از سوی وی و پذیرفتن مفاد عقد به معنای مسؤلیت وی در پرداخت آن است. بنابراین اگر در مواردی زن به دلخواه خود یا به دلیل اختلاف در زندگی زناشویی، اقدام به اجرا گذاشتن مهریه خود نماید، زوج نمی‌تواند از عدم پرداخت آن امتناع ورزد. به هر حال بخش مهمی از رواج مهریه‌های سنگین و نامتعارف، ناآگاهی طرفین از قوانین موجود است که به دلیل شرایط خاص ازدواج، آگاهی عمیق و دقیقی در این باره وجود ندارد (Nazarpour & Keshavarzian Peyvandi, 2013). در مباحث فقهی به معاملاتی که ناشی از جهل و ناآگاهی طرفین عقد شکل بگیرد، تحت عنوان «معاملات غرری» نام برده می‌شود.

منظور از معاملات غرری، آن دسته از عقود است که فرجام آن‌ها برای یکی از طرفین یا یکی از دو طرف مجهول بوده و باعث ضرر و خطر شود (Shariati-Nia et al., 2022). بر مبنای غرری بودن معاملات به سبب ناآگاهی طرفین، فقها برخی از قراردادها را به سبب بستن غرر و بستن باب مخاطره‌ای که به کشمکش در معاملات منجر می‌شود، باطل می‌دانند. همین رویکرد نسبت به مهریه‌های نامتعارف نیز وجود دارد؛ یعنی اگر فرد به دلیل جهل و ناآگاهی و یا تحت تأثیر راهنمایی دیگران، مسؤلیت مهریه نامتعارف را بر عهده بگیرد، مصداق معامله غرری بوده و قانونگذار نیز باید در رسیدگی به این موارد، دقت بیشتری مبذول دارد تا صحت آن روشن شود. حتی در حقوق داخلی بر موضوع «آگاهی» در عقد توجه نشان داده شده است. قانونگذار در ماده ۱۰۷۹ از قانون مدنی چنین آورده است: «مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود معلوم باشد». بر مبنای همین رویکردهای حقوقی می‌توان اقدامات قانونی مهمی برای جلوگیری از مهریه‌های نامتعارف و پیشگیری از ناهنجاری‌های خانوادگی انجام داد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال بررسی یک معضل اجتماعی و خانوادگی مهم یعنی مهریه‌های نامتعارف بوده است. زیرا با گسترش فرهنگ رقابتی در جامعه، افزایش سکه برای مهریه منجر به شکل‌گیری مهریه‌های نامتعارف شده که هم از نظر شرعی و هم از نظر اجتماعی مورد قبول نیست. ضمن اینکه با افزایش مداوم قیمت سکه یا تورم در نظام اقتصادی، وسوسه‌انگیزی نیز باعث شده تا بسیاری از افراد با همین هدف اقدام به ازدواج نمایند. بنابراین مهریه از فلسفه اصلی خود که به عنوان یک هدیه در نظر گرفته می‌شد، به یک کالای گران قیمت تبدیل شده که منفعت آن برای زوج و ضرر آن برای زوج است. این معضل که برای افراد کم‌توان مالی ناهنجاری‌های خانوادگی پدید آورده است، نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات شرعی و عرفی است. ملاحظات شرعی یعنی تقویت نگرش هدیه بودن مهریه و دور شدن از رویکردهای مادی نگر به آن است. اما از نظر عرفی نیازمند توجه به مهریه متعارف هستیم که بتواند مشکلات حقوقی را نیز به حداقل رساند و حتی مراجعات قضایی

مرتبط با مهریه‌های نامتعارف را نیز کاهش دهد. بر مبنای آنچه مطرح شد، ابتدا باید به این معضل به عنوان یک مشکل مستحدثه نگاه کرد که با توجه به قرار گرفتن در احکام ثانوی و متغیر، نیازمند مداخله حاکمیت بر مبنای مصالح و نیازهای جامعه اسلامی است که توسط فقیه یا حاکم جامعه اسلامی انجام می‌شود. پس از آن باید یک تحول اساسی در نظام قضایی و رسیدگی به مهریه‌های نامتعارف ایجاد شود که بر مبنای آن، رویکردهای مجازات کیفری نیز در این حوزه کنار گذاشته شوند. زیرا افرادی که هرگز به سمت نابهنجاری نرفته‌اند، ممکن است به دلیل نداشتن استطاعت مالی راهی زندان شوند و مسیر زندگی‌شان به انحراف کشیده شود.

اقدام مهم دیگری، ایجاد سقف و معیار برای مهریه و یا تعریفی از مهریه متعارف و اجرایی کردن آن در جامعه و در دادگاههای خانواده است تا بتوان آنچه را بر مبنای رقابت و حسادت یا چشم و هم چشمی است، به عنوان یک آسیب فرهنگی منزوی کرد. در این صورت افرادی که با نگرش سودجویانه به سمت ازدواج می‌روند، خود به خود کنار می‌روند و به مرور زمان نیز این نگرش مادی گریزناک از بین می‌رود. اما این رویه مستلزم آن است که بتوان بر مبنای محل، منطقه و توانایی مالی زوج و زوجین، مهریه متعارف را بر مبنای تغییرات اقتصادی به روزرسانی کرد. راه حل دیگر نیز از منظر فرهنگی و یا آگاهی حقوقی برای زوجین قابل ذکر است. بدین معنا که بتوان زوجین را قبل و حین عقد نکاح نسبت به پذیرش مسئولیت هر آنچه در قالب مهریه می‌پذیرند، آگاه ساخت. زیرا در نگرش شرع اسلام، معامله بدون آگاهی و از روی جهل همان معامله غرری است که باطل است و نمی‌توان بر مبنای آن، فرد را به پرداخت مهریه وادار نمود. اما اثبات این نوع معامله نیازمند ملاحظه جدی و دقیق مراجع قضایی از یک طرف و رسانه‌ها یا نهادهای آموزشی از سوی دیگر است تا بر مبنای آن، نوعی ایجاد آگاهی برای جلوگیری از معامله و عقد غرری که بدون شناخت و از روی جهل صورت گیرد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

In Islamic tradition, mahr is a mandatory gift that the groom provides to the bride, serving as a foundation for establishing a positive and affectionate relationship between spouses. The primary objective of mahr is to enhance love and compassion within the family structure, thereby strengthening marital bonds (Motahhari, 2016). However, recent years have witnessed the emergence of excessively high and unconventional mahr, which has become a significant societal issue in Iran. The escalation of mahr amounts, driven by social competition among families, mutual distrust, and the deterrence of divorce, has led individuals to inflate mahr to unmanageable levels. This trend not only undermines the original purpose of mahr but also fosters materialistic attitudes towards marriage, resulting in the erosion of family foundations and increasing instances of familial instability and legal disputes (Anahid, 2007).

Mahr plays a crucial role in maintaining the sanctity and stability of the family unit by acting as a gesture of goodwill and financial security for the bride. From an Islamic perspective, the obligation of the groom to provide mahr is highly emphasized, with religious texts explicitly discouraging the

reduction or refusal of mahr once agreed upon (Jafari, 1990). Historically, practices prior to Islam included coercive tactics to compel mahr payment, such as falsely accusing a wife of immorality to obtain a divorce and re-marrying with the same mahr. The Quranic injunctions were revealed to condemn such unethical practices and to protect women's rights regarding mahr. Despite these protections, the prevalence of heavy mahr remains problematic, as it imposes significant financial burdens on grooms, often leading to family disputes, financial instability, and even imprisonment due to the inability to fulfill mahr obligations (Mostafa et al.).

The present study employs a descriptive and analytical approach, utilizing library resources to examine the multifaceted issues arising from unconventional mahr. By analyzing legal, social, and religious texts, the research aims to identify practical solutions grounded in Islamic jurisprudence and contemporary legal frameworks. The necessity of this research is underscored by the deterioration of family structures, the rise in mahr-related legal cases, the prevalence of materialistic attitudes towards marriage, and the resultant social and familial disruptions. The study seeks to address these challenges by proposing judicial, educational, and executive strategies to mitigate the adverse effects of unconventional mahr.

To alleviate the legal and social problems caused by unconventional mahr, the study proposes several strategies. First, government intervention is essential to regulate mahr practices by establishing maximum limits based on regional customs and the financial capacities of both spouses. This regulatory approach aims to prevent exploitative mahr amounts that undermine the philosophical intent of mahr. Additionally, the removal or reduction of criminal penalties, such as imprisonment, for non-payment of excessive mahr can prevent individuals from facing irreversible consequences due to financial incapacity (Razavi, 2015). Another critical strategy involves raising awareness among prospective spouses, particularly men, to ensure informed consent and understanding of mahr obligations. Educational campaigns and legal advisories can help mitigate ignorance-based contracts, thereby reducing the incidence of opportunistic mahr arrangements (Shokri, 2019).

The proposed strategies align with Islamic jurisprudence, which emphasizes the importance of mahr in fostering marital harmony and family stability. By setting customary ceilings and considering the economic realities of both parties, the interventions respect the Islamic principle of fairness and compassion in marital contracts (Makarem Shirazi, 2002). Furthermore, addressing the criminalization of non-payment acknowledges the socio-economic challenges faced by grooms, thereby preventing undue hardship and promoting equitable treatment within the legal system. The emphasis on awareness and education is rooted in the Islamic legal maxim that contracts should be free from ignorance and coercion, ensuring that mahr arrangements are both consensual and reasonable (Najafi, 1995). These measures collectively aim to restore the original intent of mahr as a benevolent gift rather than a financial burden, thereby reinforcing the ethical and spiritual dimensions of marriage.

This study highlights the pressing need to address the issue of unconventional mahr in contemporary Iranian society to prevent the destabilization of family structures and the emergence of social anomalies. By implementing judicial regulations, setting customary mahr ceilings, removing punitive measures for non-payment, and enhancing awareness among spouses, it is possible to realign mahr practices with their original Islamic intent. These interventions not only safeguard the rights and responsibilities of both spouses but also contribute to the broader goal of fostering stable and harmonious family environments. Ultimately, preventing unconventional mahr requires a multifaceted approach that integrates legal reforms, educational initiatives, and cultural shifts to promote a balanced and equitable understanding of marriage within the Islamic framework.

References

- Ahangaran, M. R. (2013). A New Perspective on the Principle of 'Contract Follows Intention' with Emphasis on Its Applications in Islamic Banking. *Quarterly Journal of Islamic Economics Knowledge*, 5(1), 157-176.
- Amin, S. N. (2010). *Tafsir Makzan al-Irfan*. Golbahar Publishing.
- Anahid, F. (2007). A Jurisprudential Examination of Women's Dowry and Its Philosophy in the Islamic Legal System. Regional Conference on Women in the Islamic Legal System,
- Ansari, S. M. (1995). *Kitab al-Nikah*. Al-Kalam and Al-Hadi Institute Publishing.
- Attari Kermani, A. *Guide to Marriage and Divorce*. [Place of publication not specified].
- Emami, S. H. (2007). *Civil Law*. Islamieh Publishing.
- Golshani, A., Jafari, M. H., & Karimi, M. H. (2020). Jurisprudential and Legal Analysis of State Intervention in Determining the Amount of Dowry in Iran's Legal System. *Journal of Jurisprudence and Legal Principles*, 14(1), 179-199.
- Jafari, M. T. (1990). *The Wisdom of Islamic Political Principles*. Nahj al-Balagha Foundation Publishing.
- Jalali, S. M. (2010). Critique and Review of Dowry in the Family Support Bill. *Women's Strategic Studies Quarterly*, 12(48), 126-183.
- Makarem Shirazi, N. (1991). *Rules of Jurisprudence, Vol. 2*. Imam Ali School Publishing.
- Makarem Shirazi, N. (2002). *New Fatwas, Vol. 2*. Amir al-Mu'minin School.
- Makarem Shirazi, N. (2009). *Women's Rulings*. Imam Ali Institute Publishing.
- Makki Ameli, M. b. J. a.-D. *Al-Qawa'id wa al-Fawa'id*. Al-Mufid Library.
- Mostafa, I., Al-Zayyat, A., Abdel Qader, H., & Al-Najjar, M. *Al-Mu'jam Al-Waseet*. Dar al-Da'wa.
- Motahhari, M. (2016). *The Legal System of Women in Islam*. Sadra Publishing.
- Najafi, S. M. H. (1995). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam*. Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Naraq, A. (1996). *Aw'id al-Ayyam fi Bayan Qawa'id al-Ahkam*. Society of Seminary Teachers of Qom.
- Nazarpour, M. N., & Keshavarzian Peyvandi, A. (2013). Mandatory Obligations of a Legal Partnership Contract: A Strategic Approach for Achieving PLS Banking in an Interest-Free Banking System. *Economic Strategy Quarterly*, 2(7), 39-82.
- Paknejad, S. R. (1997). *Marriage as a School of Humanity Formation*. Akhlaq Publishing.
- Razavi, S. M. (2015). Feasibility of Legislation to Prevent Heavy Dowries. *Journal of Family Jurisprudence and Law*, 20(63), 142-167.
- Shariati-Nia, M. H., Hassan-Zadeh Sarvestani, H., & Sadeqi Shahdani, M. (2022). Analyzing Hidden Orders in Stock Transactions Based on the Rule of Prohibition of Gharar in Islamic Jurisprudence. *Journal of Islamic Economic Studies*, 14(2), 497-532.
- Shokri, M. (2019). Heavy Gold Coin Dowries: An Approach Against Islamic Culture and Social Order. *Journal of Jurisprudential and Legal Studies on Women and Family*, 2(4), 141-166.
- Shokri, M. (2023). Legal Challenges of Coin Dowries: Designing Legal Solutions. *Journal of Legal Excellence*, 14(1), 259-291.